



در میان هرج و مرج مدیریتی ستاد مبارزه با کرونا، ۱۵ هزار کرونایی به سفر رفتند

ستاد جهش کرونا

است صفحه صفحه با آن پر کرده ایم و کسی گوشش هم بدهکار نیست. با همه این غرهایی که زدم، فکر می کنم مشخص شده باشد که این نوشتن ها هم از سر جبر و نه میل باطنی و درونی است. مجبورم دوباره از وضعیت فشل و نابسامان مدیریت کرونا در کشور بنویسم، از خوش خیالی و سهل انگاری مدیران، از بی خیالی مردم و نگاه های کارشناسی ای که در تمام طول ایام کرونا، با آنها برخورد گزینشی شد و هرچه به سود بعضی ها بود، شنید و هرچه به سود همه بود، نادیده گرفته شد.

خوب و اخباری پیرامون کنترل و مدیریت همه گیری کرونا و توزیع و تزریق گسترده واکسن را پوشش دهد، نه اینکه اول سالی، در شنبه ای که خیلی ها دوست نداشتند پایان تعطیلات و شروع ایام کاری شان باشد، خبر از آغاز و اوج گیری پیک چهارم کرونا بدهد. اما چه کنیم که همان چند روز پیش که روحانی، رئیس جمهور، خبر عبور از پیک کرونا را داد، می دانستیم که فاجعه ای در راه است و عن قریب مجبور به نوشتن در ارتباط با آن و دوباره تکرار تمام مکرراتی هستیم که یک سال و اندی

و تحت کنترل درآوردن آن، اما این را می دانم کمتر کشوری در دنیا است که شبیه ما، بعد از تعطیلات نوروز باستانی، علی رغم تمام اطلاعات و پیش بینی هایی که داشتیم، این طور درگیر موج چهارم کرونا شده و همه مردم و مسئولان شان آچمز شده باشند! بدتر از همه اینها هم این که از همان سوراخی برای بار چهارم گزیده شده باشیم که پیش از این سه بار دیگر هم گزیده شده بودیم. واقعا دوست داشتم اولین شماره روزنامه سال ۱۴۰۰، صفحه اجتماعی «فرهیختگان»، محتوایی



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

نمی دانم رسانه ها در ترکیه، در انگلستان، در کره و چین و... این روزها و در مواجهه با اخبار کرونا چه می نویسند؛ مثلاً از تعداد زیاد واکسیناسیون انجام شده در کشورشان خبر می دهند یا مهار همه گیری

مردم دلخوش به سیاست های مدیریت کرونا نباشند

اگر بخواهیم بخشی از بدیهیات مدیریت کرونا را با هم مرور کنیم، به اینجا می رسیم که ستاد ملی مقابله با کرونا به ریاست رئیس جمهور روحانی، مسئولیت سیاستگذاری و اتخاذ تصمیمات برای کنترل و جلوگیری از شیوع کرونا را در اختیار دارد. البته شاید هم ردیف و رده او بتوان از سعید نمکی، وزیر بهداشت هم نام برد که در سال گذشته و در میانه راه مدیریت کرونا در کشور، از سوی رهبری وظایف اصلی به او و مجموعه وزارت بهداشت محول شد. ستاد ملی مقابله با کرونا از کمیته های مختلفی تشکیل شده که یکی از اصلی ترین این کمیته ها، کمیته علمی متشکل از متخصصان و پزشکان و... است. پس و پیش از وقوع هر پیک کرونا، متناسب با وضعیت موجود و آمارهای به دست آمده، معمولاً اعضای این کمیته علمی، از وقوع پیک جدید خبر داده اند و هشدارهای لازم داده شده است. منتها تصمیمات، در جایی در همین ستاد ملی مقابله با کرونا وتو شده و آن طور که جامعه علمی و کارشناسی توقع داشته، اجرایی نشده است. قبل تر در ارتباط با پیک های قبلی کرونا، گزارش های متعدد و مختلفی نوشتیم و گفتیم که چه شد که ما سه پیک مهلک و با تعداد موارد ابتلا و مرگ و میر بالا را از سر گذرانیم. این بار مشخصاً بد نیست که در ارتباط با پیک چهارم که وزارت بهداشت اخیراً هم پیامکی وقوع و اوج گیری آن را اطلاع رسانی کرده است، می نویسیم و یک سبیر از اطلاع رسانی، سیاستگذاری و اجرای سیاست ها و در نهایت نتیجه حاصل شده را بررسی می کنیم تا هم خودمان به درک نهایي از مدل ما مواجهه ایران با ویروس کرونا برسیم و هم مردم بفهمند آن کسی که نگران سلامتی آنهاست، نه سیستم و دولت و ستاد ملی مقابله با کرونا و روحانی و نمکی و... بلکه خودشان هستند و اگر قرار باشد دل به این سیاست ها ببندند و فکر کنند همه چیز مو به مو و دقیق و منطبق با اصول علمی پیش می رود، سخت در اشتباهند و عایدی شان جز بیماری و مرگ نیست.

چیزی که فکر می کنیم؛ مدیریت کرونا با نظر شخصی!

بخش دوم این گزارش را ما بد نیست به اظهارات شاذ و عجیب رئیس ستاد ملی مقابله با کرونا معطوف کنیم. اظهاراتی که برای بار اول نیست و از همان سخنان معروف و ادعای پایان کرونا و بازگشت به روال عادی زندگی است. شنبه که در ابتدای شیوع کرونا بیان شد، شروع شده است و تا همین چند روز پیش ادامه یافت. حسن روحانی، رئیس جمهور روز شنبه، ۷ فروردین ماه ۱۴۰۰، طی سخنانی عجیب و درست در ایامی که همه شواهد نشان از اوج گیری دوباره کرونا در کشور داشت، در ارتباط با این همه گیری در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا خاطرنشان کرد: «به نظر من پیک این بیماری تمام شده است. علی رغم همه حرف ها، جهش و همه مشکلات، در مجموع در عالم یک پیکی داشته و این پیک آخرش است. با روند گسترش واکسیناسیون، این پیک آخرش است. این پیک پایینی می آید. ممکن است جهش ها و مشکلات دیگر داشته باشد، اما به نظر مقابله با این بیماری، از آن روز اول یعنی ۱۴ ماه پیش تا حالا سهل تر و آسان تر شده است و ان شاء الله این مقابله در کشور ما هم به خوبی انجام می گیرد. امروز ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان وضعیت مناسب تری در مقابله با ویروس خطرناک کرونا دارد. مردم انصافاً با وجود محدودیت هایی که ناگزیر برای کسب و کارها و معیشت آنها پیش آمد، در رعایت دستورالعمل ها سنگ تمام گذاشتند و اگرچه در ایام عید به طور طبیعی رعایت پروتکل ها کاهش یافت، اما در مجموع کاهش قابل توجه آمار سفرهای نوروزی نیز گواه آن است که مردم همچنان مراعات وضعیت را می کنند». اما قبل از همه با توجه به تمام آنچه پیش از این و تمام وعده ها و اطلاعاتی که روحانی در ارتباط با آینده همه گیری کرونا در کشور داده بود، این بار هم خیلی زود و در همان روز مشخص شد که پیک کرونا تمام نشده و اتفاقاً ما وارد پیک چهارم کرونا شده ایم! اما به این سخنان از چند منظر می توان نگاه و آن را تحلیل کرد. اولاً اینکه خب ما هنوز تعداد قابل توجهی واکسن به کشور وارد نکرده ایم و کمافی الساقی روبه واردات واکسن به کشور، همان مدل قطره چکانی و از شرکت ها و کشورهای محدودی است. واکسن ایرانی هم که هنوز درحال گذران کارآزمایی و بعدد است به این زودی ها دستمان را بگیرد. نکته دوم اما با توجه به مدل سیاست روری، بیمار یابی فعالی که آن طور که انتظار می رفت، فعال نیست و همین کمبود واردات واکسن و عدم واکسینه کردن بسیاری از افرادی که حتی در اولویت های برنامه ملی واکسیناسیون بودند، این نشان می دهد که سناریوی مقابله ایران با بیماری کرونا، همان ایمنی جمعی یا گلایه است که از ابتدا بود و با رفتن و آمدن افرادی همچون ملک زاده که از او به عنوان ثور یسین اصلی این مدل مواجهه نام برده می شد، تفاوتی در اصل این مدل ایجاد ایمنی به وجود نیامده است و احتمالاً رئیس جمهور همچنان فکر می کند که چون خیلی ها کرونا گرفته اند، ما دیگر درگیر پیک جدید نخواهیم شد. فرضیه ای که هم از نظر علمی و هم اخلاقی بارها و بارها رد شده است. اما نکته سومی که از این سخنان به ذهن متبادر می شود، بی اطلاعی نفر اول ستاد ملی مقابله با کرونا و رئیس دولت نسبت به واقعیت های موجود است. روحانی درست در روزهایی که همه، حتی وزارت بهداشت در قالب پیامک، ورود به پیک چهارم را اطلاع رسانی می کند، خبر از پایان پیک کرونا آن هم با نظر شخصی می دهد. این یعنی هیچ اهمتامی نسبت به هشدارها و اطلاعات کمیته علمی و مجموعه وزارت بهداشت در رأس هرم مدیریت ویروس کرونا در کشور وجود ندارد و رئیس جمهور که از ابتدای شیوع این ویروس خود در یک قریطنه صد رصدی به سر می برد، ترجیح می دهد، مملکت را با نظر شخصی اداره کند نه نظر علمی! البته رویه ای که از سوی متخصصان و کارشناسان مورد انتقاد واقع شد و مینو محرز با رد ادعای رئیس جمهور گفت: «باز هم با پیک کرونا مواجه خواهیم شد»

چیزی که شد؛ ویروس مهاجم به همه جا پر گشود!

جالب شد؛ داشتیم اینها را امروز که سیزده بدر است و پایان تعطیلات و می نویسم، می نوشتیم که شما امروز که ۱۴ فروردین است و روز اول بعد از نوروز ۱۴۰۰ را بخوانید، دوباره وزیر بهداشت قلم فرسایی کرد و در صفحه شخصی خود در اینستاگرام متنی نوشت و به گلایه گذاری از وضعیت موجود پرداخت؛ واقعا مگر همه اینها، وزیر بهداشت و رئیس جمهور و... برای یک دولت نیستند؟ چطور می شود که چند روز قبل رئیس جمهور خبر از پایان پیک کرونا می دهد و چند روز بعد وزیر بهداشت این طور از وضعیت موجود و پیک جدید کرونا گلایه می کند؟ سعید نمکی، دیروز در صفحه شخصی خود نوشت: «ویروس سرکش انگلیسی از راه رسید، خوزستان را گرفتار کرد، شبانه روز تلاش نمودیم تا در آن استان که بیشتر از سه پیک کشوری قبلی گرفتارمان کرد، مهارش کنیم. عملاً ضرب سستت ویروس موتاسیون یافته را چشیدیم، ویروس مهاجم از هوا و زمین به دلالی که جای بحثش در این مقال نمی گنجد، به همه جا پر گشود... نوشتیم... گفتیم... التماس کردیم... قسم دادیم که دو تا سه هفته صبری کنید. مهلت بدهید تا مثل سال قبل از فرصت تعطیلات هبری و تعیین تکلیفی که ایشان فرمودند و با داشتن یک ستاد ملی در طرح شهید سلیمانی خانه به خانه شعله های کوچک را شناسایی و مهار نماییم تا به هم نیوندند و آتش دامن پهنه کشورمان را نگیرد. گفتیم سفر و جمعیت سیال نمی گذارد طرح اجرا شود و بیماری نیز از نقاط گرفتار به مراکز یا کتر منتقل می شود. گفتیم صف های طولانی تهیه اوراق شب عید ساعت ها جمعیت سالمند تنیده در این صفا ها را گرفتار می کند. گفتیم می دانیم تاب آوری مردم مهم است ولی تاب آوری مدافعان خسته سلامت پس از ۱۴ ماه کار بی وقفه و جان فشانی برای مدیریت پیک های پیوسته نیز مهم است. گفتیم اقتصاد گردشگری اهمیت دارد ولی سرمایه اجتماعی نظام سلامت و هزینه های شیوع مجدد بیماری و اثراتش بر اقتصاد خرد و کلان کشور نیز بی اهمیت نیست. گفتیم اگر به حرف های کارشناسی مان گوش ندهند، بهار سختی در پیش است. شاید بدین دلیل باور نکردند که اولاً وزن ویروس موتاسیون یافته را در محاسبات اپیدمیولوژیک ما نمی شناختند و ثانیاً سه پیک سنگین قبلی را آرام، بی صدا و مظلومانه همکاران مان مدیریت کردند و گروهی فکر کردند که فراز و فرود منحنی ها شاید به شیوه فتوشاپ است! در روزهای گذشته با روسای خسته و دل شکسته دانشگاه های علوم پزشکی تماس داشتیم. به شدت نگرانند، بیماران شان درحال افزایش و تخت هایشان درحال پر شدن است. ضمن آنکه می دانند در این خیز جدید اولاً زنجیر مهار غول سرکش بیماری با ویروس جدید گسترده تر است و ثانیاً خود و سربازان مدافع شان خسته تر. روزهای سختی در پیش است. خداوند یاری مان کند تا نمانیم، با دستاورد افتخارآمیز روزهای سخت تحریم به سادگی به باد نرود. تا شرمسار آنان که پایداری و همراهی مان کردند و شرمند روح بلند مدافعان سلامت و خانواده هایشان نشویم، کمک کنند تا عزیزان ارجمند دیگری را از دست ندهیم.

چیزی که فکر می کردیم؛ خطرناک ترین عامل در چرخش ویروس جهش یافته، سفر است

کنیم که سفر نبود و در خانه و محل خودتان بمانید. زیرا اگر بروید، ضرر می کنید و خدا نکند که در آن واحد چند خوزستان خلق کنیم. اگر خدایی نکرده چند خوزستان دیگر شکل گرفت، آن زمان دیگر نمی توانم رباب آوری نظام سلامت قسم بخورم. تقاضای کم که حتی اگر همه دروازه ها باز شد، حضرت عباسی سفر نرود. رفتن همانا و گرفتار شدن در این دام هم همان. نگذاریم خوزستان های دیگری ایجاد شود. من التماس کردم که پروازها را منطقه آلوده به غیر آلوده را قطع کنیم، مگر در موارد ضروری که با تشخیص کمیته استانی باتست های قبلی انجام شود. نمی شود که از یک کانون جدید آلوده هر روز چرخش این ویروس را به جاهای مختلف نظاره کنیم. سفر به عنوان یکی از مولفه های بسیار مؤثر بر چرخش بیماری را باید جدی گرفت. خطرات کترین عامل در چرخش ویروس موتاسیون یافته سفر است. حتی اگر بلیت و هتل مجانی هم برایتان فرستادند، این را بدانید که دارند برایتان ویزای بیماری و مرگ می فرستند». این اظهارات را چندبار که بخوانیم، حتی حالا که تاریخ انقضایش هم تمام شده و تقریباً تماش عملي نشده است، حتماً به این نتیجه نباید برسیم که وزارت بهداشت و شخص وزیر بهداشت، خودش را امیرا از انتقادات کرده است و بار مسئولیتش را از دوش برداشته و نتیجه فعلی ما حاصل تصمیمات او نیست، نتیجه خواندن چندباره این سخنان این است که وضعیت موجود، قابل پیش بینی بود، نه از سوی یک نفر، که تقریباً از سمت تمام متخصصان و مطلعان از وضعیت شیوع کرونا در کشور. منتها چیزی که رخ داد، همان همیشگی بود، سهل انگاری و ساده انگاری وضعیت موجود و بی توجهی به واقعیت دردناکی که خیلی زود دامن ما را می گیرد و گرفت. مادامی هم که مشخص نشود دقیقاً چه کسی، تصمیمات کمیته علمی و توصیه های آنها، وتو می شود و محلی از اعراب ندارند، این گلایه های تکراری آقای وزیر، جدیت ندارند و نشان از استیصال و ناتوانی مدیریتی است. استیصالی که در ادامه و در شاهکار دیگری از مجموعه بهداشت و درمان کشور و ستاد عربض و طولیل ملی مقابله با کرونا به آن اشاره خواهیم کرد.

مگر قرار نبود بیمار کرونایی رها نشود؟! ۱۵ هزار کرونایی چرا و چطور سفر کردند؟

می بینید؟ دوباره همان همیشگی، شکاف و اختلاف بین مسئولان و تصمیمات شان! بد نیست از آقای نمکی در ارتباط با چند مساله سوال کنیم. این طور نمی شود که تا همه چیز نسبتاً خوب پیش می رود، دستاورد سیاست های ستاد ملی و وزارت بهداشت معرفی شود، وقتی همه چیز بد می شود، توپ در زمین مردم بیفتد و عایدی آنها هم به جای پاسخگوئی مسئولان، درد دل و گلایه وزیر بهداشت مملکت باشد. سوال اول این است که یک بار بالاخر تا نامی، نشانی از شخص یا نهادی که مخالف اعمال محدودیت هاست، ببرند. ببینیم کجا و با چه استدلالی با جان مردم قمار می کنند. اما سوال بعدی ناظر به سخنان سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا و معاون بهداشت سعید نمکی، یعنی علیرضا رئیسی است. او دو روز پیش در اظهاراتی گفت: «بالا رفتن تعداد شهرهای قرمز و نارنجی شروعی برای افزایش تعداد بیماران مبتلا به کروناست و پیش بینی می شود که بعد از یک هفته افزایش شدیدتری نیز خواهیم داشت. ۱۱۷ شهر نارنجی و قرمز داریم که نسبت به روزهای گذشته تعداد شان ۲/۵ برابر شده است و فکر می کنم در روزهای آتی شهرهای نارنجی و قرمز بیشتری خواهیم داشت. بیش از ۱۵ هزار نفر کرونا مثبت داشته ایم که با وجود اطلاع از مثبت بودن تست کرونایشان اقدام به مسافرت در ایام نوروز کرده اند و بیماری را در سراسر کشور منتشر کرده اند. سوش غالب کرونا در کشور درحال تبدیل به ویروس جهش یافته انگلیسی است که این ویروس، تعداد افراد بیشتری را مبتلا می کند. تا پنج یا ۶ ماه دیگر با در دسترس قرار گرفتن واکسن کرونا و انجام واکسیناسیون، نسخه کرونا پیچیده می شود و باید مراقبت کنیم که در این مدت عزیزان مان را از دست ندهیم.» ۱۵ هزار کرونایی، یعنی آنهايي که علامت داشتند، آنهايي که تست دادند و تست شان مثبت بود (منهای آمار تست های منفی کاذب) و در سیستم بهداشت و درمان ثبت شدند، بدون هیچ محدودیتی به مسافرت رفتند! یعنی حداقل ۱۵ هزار بیمار کرونایی (که حتماً بیش از این تعداد هم بوده است) رها شدند، درحالی که پیش از نوروز، سعید نمکی گفته بود: «ما خیلی حرف زدیم که می گیریم و جریمه می کنیم... اما اینها همه تعارف است، ما باید مبتلای ویروس موتاسیون یافته را در اختیار داشته و در بند نظام سلامت کشیده باشیم، نمی توانیم بمب ویروس را سرگردان در جامعه رها کنیم. این شیوه مدیریت نیست. از برادران بسیجی ما تقاضای کم که این بخش از کار را با مسئولیتی که تقبل کردند، به خوبی اداره کنند. من هم قول می دهم در همه زمینه ها اعم از بودجه و... کمک کنم. درست است وقتی می خواهیم کاسبی را در جایی چند روز نگه داریم، غذا و امکانات می خواهد، باید اینها را کمک کنیم، اما همه این هزینه ها کمتر از هزینه ای است که بر اثر بی توجهی به نظام جمهوری اسلامی تحمیل خواهد شد. ما هستیم این است که این پدیده را دنبال کنند که ما بیمار شناسایی شده را رها نکنیم. بیماری که مارتک کووید و به ویژه موتاسیون یافته سرکش تر است، نباید رها شود. همه کمک کنند تا بعد از تشخیص، بیمار مثبت رها شده نداشته باشیم و این بزرگترین قسمت مدیریت بیماری است که تاکنون از آن به شدت لطمه خورده ایم و امیدوارم از این به بعد لطمه نخوریم. درعین حال لطمه ای را که از ویروس ووهان خوردیم، ضریرد ۱۰ کنیم و آن وقت همان میزان از ویروس موتاسیون یافته ضربه خواهیم خورد». گفته شد ضربه خواهیم خورد، اما برای اینکه ضربه نخوریم، کاری نکردیم. اینجا دقیقاً همان جایی است که با گلایه و پست اینستاگرامی و مصاحبه های پرشور و پر گلایه نمی توان از آن شانه خالی کرد. کادر درمان تاب آوری ندارد، خیلی از آنها هنوز واکسن دریافت نکرده اند و حالا هم مجبور به مقابله با ویروس سرکش تری هستند. تمام اینها می گوید، ما در مدیریت کرونا شکست خورده ایم.